

# شعر عاشورایی

نقد و تحلیل

تالیف

د. علی کاظم المصلاوی

ترجمه

دکتر ناصر قاسمی

عضو هیأت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران

سیده نرجس حسینی



شماره مسلسل ۹۲۶۴

شماره انتشار ۳۸۷۸

### انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: مصلاوی، علی کاظم
عنوان قراردادی	: الطفیات المقوله و الاجراء النقدي. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: شعر عاشورایی: نقد و تحلیل / تألیف علی کاظم المصلاوی؛ ترجمه ناصر قاسمی، سیده نرجس حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص: جدول.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۸۷۸.
شابک	: 978-964-03-7103-9
وضیعت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۴۳]-۲۴۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق-- شعر
موضوع	: شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۳۵۹-۴۰۶ ق-- نقد و تفسیر
موضوع	: کواز حلی، صالح، ۱۸۷۳-۱۸۱۸ م-- نقد و تفسیر
موضوع	: ابوالحب، محسن، ۱۸۸۸-۱۹۴۹ م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ ق-- شعر-- تاریخ و نقد
موضوع	: شعر عربی-- تاریخ و نقد
موضوع	: شعر مذهبی عربی-- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: قاسمی، ناصر، ۱۳۵۹- مترجم
شناسه افزوده	: حسینی، سیده نرجس- مترجم
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: PJA۴۸۷۰/ص۸ط۷۰۴۱ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیوپی	: ۸۹۲/۷۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۹۱۳۱۶

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

ISBN:978-964-03-7103-9



9 789640 371039

عنوان: شعر عاشورایی: نقد و تحلیل  
تألیف: علی کاظم المصلاوی  
ترجمه: دکتر ناصر قاسمی - سیده نرجس حسینی  
ویرایش ادبی: مهدی بیلاقی  
نوبت چاپ: اول  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۶  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران  
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجم است»

بها: ۱۸۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران  
پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir  
پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

ج	سخن مترجم .....
د	مختصری درباره مؤلف کتاب.....
ز	مقدمه .....
ض	پیشگفتار .....
۱	فصل اول - اشعار عاشورایی شریف رضی؛ بررسی ساختار فنی .....
۸۹	فصل دوم - اشعار عاشورایی شیخ صالح الکواز الحلّی .....
۱۳۷	فصل سوم - مفهوم قرآنی در اشعار عاشورایی شیخ صالح الکواز الحلّی .....
۱۶۹	فصل چهارم - دیوان شیخ محسن ابو الحب الکبیر؛ بررسی موضوعات شعری .....
۲۱۹	فهرست ابیات عربی .....
۲۴۳	منابع و مأخذ.....



## سخن مترجم

ادبیات شیعی پدیده تاریخی تأثیرگذاری است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت و هرگز قابل چشم‌پوشی نیست. گواه این حقیقت آشکار، شواهد و قراین بسیار در کتاب‌های تاریخ و تراجم و اعلام تا دیوان‌های شعر و قطعات ادبی و نیز گروه بی‌شمار شاعران و ادیبان توانا در این حوزه ادبی است. شعر شیعی با برخورداری از جایگاهی ممتاز و استوار در ادبیات عربی و فارسی و آفرینش آثار ماندگار و جهت‌گیری‌های هدفمند اندیشه‌ها و باورها، جریان‌ی پویا و پرخروش پدید آورده است.

شکل‌گیری این جریان، پیوندی ناگسستنی با تغییر و تحولات اسلام و شیعه دارد. بی‌شک پس از قیام عاشورا شعر شیعی در مسیر دیگری گام برداشت، رثا، شکل حماسی-آیینی به خود گرفت و شعر عاشورایی کامل‌ترین تجلی و زیباترین جلوه هنری و ادبی آن شد.

از نظر زمانی، شعر عاشورایی را در گستره ادبیات عربی می‌توان به سه دوره مشخص تقسیم کرد:

۱- دوره امامان(ع)، که با شهادت امام حسین (ع) در روز دهم محرم‌الحرام سال ۶۱ هجری آغاز می‌شود و با غیبت امام مهدی(عج) در سال ۳۲۶ (اوایل قرن چهارم) هجری پایان می‌یابد.

۲- دوره پس از غیبت، که از اوایل قرن چهارم هجری شروع می‌شود و تا پایان قرن سیزدهم هجری ادامه می‌یابد.

۳- دوره جدید، که از ابتدای قرن چهاردهم آغاز شده و تا روزگار ما ادامه دارد.

حضور امام حسین (ع) و قیام عاشورا به‌عنوان یکی از فاکتورهای اصلی شعر آیینی، مذهبی و شیعی فارسی و عربی پیشینه‌ای طولانی دارد و شاعران بسیاری از هر دو زبان، در عرصه شعر شیعی و مشخصاً شعر عاشورایی دست به قلم شده‌اند و با سوز دل سروده‌ها سروده‌اند.

ادبیات عاشورا در حقیقت با شخصیت امام حسین (ع) شروع می‌شود چراکه اوست که با انگیزش فطرت‌ها، شعر و ادب را به وادی حقایق کشاند و در خدمت اندیشه متعالی قیام قرار داد. شعر او، شعر حضور در میدان آزمایش خداوندی و اذن قیام در راه خدا و میل به سوی قبله جهاد است. امام حسین(ع) البته شاعر کلمات نیست، بلکه شاعر آن مضمونی است که شعر حقیقی حیات بدان سخت نیازمند است.

شاعر برای ساختن بیت‌های شعر خویش، لاجرم به واقعیتی نیاز دارد تا آن را توصیف کند و با تخیل شاعرانه خویش آن را آن‌گونه که می‌خواهد جلوه‌گر سازد؛ و نیز به احساسی محتاج است تا سرشار از عاطفه و هیجان گردد و مسحور در اندیشه خویش به آفرینش بپردازد. بدیهی است که اگر یکی از این دو عنصر را در دست نداشته باشد آن را با تخیل خود می‌سازد و به تصنع گرفتار می‌گردد. اما قیام امام حسین (ع) آن‌قدر سرشار از حقیقت و عاطفه و چنان لبریز از احساس پاک بشری و فطرت

ناب الهی است که خود چون شعری تجسم یافته از اقالیم غیب، عاری ترین ذهن‌ها را هم به شعور خویش وا می‌دارد و از این روست که شاعران مکتب عاشورا - که ذکرشان خواهد آمد - حتی گمنام‌ترین آنها که گاهی از سر ذوق و وجد معنوی - و نه از روی فن و هنر شعر - ابیاتی را سروده‌اند، بلندترین معانی و صادقانه‌ترین گفتارها را در قالبی ساده، اما پرعاطفه ساخته‌اند. این دو عنصر، یعنی حادثه و احساس نهضت عاشورا، فطرت‌های بیدار و اندیشه‌های جوانمرد نسل‌ها را مجذوب خویش ساخت و مضمون مقدس قیام حق را تا اقصی نقاط تفکر و فرهنگ اسلامی نفوذ داد.

بدیهی است که ادبیات عاشورایی، نه به قرون اولیه اسلام محدود بود، نه به ادبیات عرب و نه صرفاً به فرهنگ شیعی، بلکه دیگر کویرهای تشنه را هم سیراب کرد. ادب پارسی با استعداد شگرف و قابلیت بیان و شیوایی زبانی که داشت، مگر می‌توانست به چنین محتوای نابی بی‌توجه باشد؛ به‌ویژه ادبیات ایرانی محب اهل بیت (ع) که سرتاسر ایران صدر اسلام و حتی مملکت بزرگ اسلامی را در تسخیر خود داشت و در ابعاد مختلف تاریخ‌نگاری، علوم بلاغی، علوم قرآنی، شعر، صرف و نحو، کلام و... طلوعه‌دار فرهنگ اسلامی بود، چگونه می‌توانست حادثه بزرگی چون نهضت حسین (ع) را که احیای دوباره فرهنگ اسلام بود، در آثار و اشعار خویش نادیده بگیرد؟

بررسی ابعاد مختلف نهضت عاشورا در ادب پارسی، مقوله‌ای است که به‌راستی تحقیقی جداگانه و مفصل می‌طلبد.

ترجمه، یکی از برجسته‌ترین دریچه‌های «من» به روی «دیگری» است. «کیستی» و «چیستی» من با دیگری و در دیگری شناخته می‌شود. این دریچه گرانسنگ و بلند جایگاه است که می‌گوید در درازنای تاریخ به هیچ جامعه‌ای بر نمی‌خوریم که از لاک خود بیرون آمده و جهانی شده باشد و دستی در ترجمه نداشته باشد. تنها ملت‌های تک‌افتاده، دور از ترجمه بوده‌اند (مینورا، ۱۳۷۵: ۶۶) شناخت و پیشرفت یک جامعه در ترازوی سنجش خود با دیگری هویدا می‌شود. چون ترجمه، زندگی یک متن را به بافت تازه می‌آورد و به پاس همین زندگی نو، متن بنیادین می‌شود. (باسنت، ۱۳۹۰: ۸۶)

ترجمه در طول تاریخ، همواره مورد توجه خاص و عام بوده و به‌عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی بشر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه اهمیت ترجمه و تأثیر شگرف آن در زندگی پوشیده نیست. در اهمیت آن همین قدر می‌توان گفت که اگر ترجمه نبود آگاهی از اقوام و ملل دیگر هرگز میسر نمی‌شد، زیرا انسان‌ها از یک‌سو نیازمند علوم و فنون یکدیگرند و از سوی دیگر به دلیل اختلاف زبان‌ها قادر به ارتباط مستقیم نیستند، لذا چاره‌ای جز روی آوردن به ترجمه ندارند.

درمورد اهمیت ترجمه کتاب «الطقیات المقوله والإجراءالنقدی» علی کاظم المصلاوی نیز باید گفت: نویسنده در این کتاب کوشیده است همه ابعاد و جوانب اشعار عاشورایی سه شاعر را، از ریشه و معادل‌های معنایی تا نقد و بررسی شعر، مدنظر قرار دهد. در این راستا ابیاتی را از سه شاعر برگزیده و

## سخن مترجم □ خ

به بحث و بررسی آنها پرداخته است. این کتاب بدین لحاظ مورد اهمیت است که باعث آشنایی دانشجویان رشته‌های زبان، به‌ویژه زبان و ادبیات عربی با دیگر شاعران عرب‌زبانی است که در خصوص عاشورا و امام حسین (ع) شعر سروده‌اند. همچنین به دلیل آشنایی با مضامین مختلف اشعار عاشورایی و آرایه‌های ادبی در اشعار عاشورایی شایان اهمیت است. از سوی دیگر ترجمه این کتاب برای روشن کردن و آگاهی نسل جدید و آینده از واقعه عاشورا و شناخت و آشنایی آنها با ادبیات عاشورایی عربی مورد توجه و اهمیت است. همچنین به دلیل عشق و محبت جامعه اسلامی فارسی زبان به امام حسین و اهل بیت علیهم السلام، ترجمه این کتاب ضروری به نظر می‌رسد و از آنجا که گویای قیام امام حسین (ع) و حوادث واقعه کربلا است امید می‌رود با استقبال خوانندگان مواجه شود.

## مختصری درباره مؤلف کتاب

علی کاظم محمدعلی المصلاوی در سال ۱۹۷۳ در شهر کربلا به دنیا آمد و در همان جا رشد و نمو یافت. وی درجه کارشناسی خود را در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشکده ادبیات دانشگاه کربلا، در سال ۱۹۹۶ اخذ کرد، همچنین در سال ۲۰۰۰ کارشناسی ارشد را از دانشکده ادبیات دانشگاه کوفه، با نوشتن پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: لغة شعر دیوان الهذلیین<sup>۱</sup> دریافت داشت. وی دانشنامه دکتری خود را در زمینه زبان و ادبیات عربی از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه بغداد، در سال ۲۰۰۶ با رساله‌ای تحت عنوان: أبوالعلاء المعری والشعر العربی فی الأندلس دراسة تحليلیة فی التأثير والتأثر<sup>۲</sup>، اخذ کرد. در سال ۲۰۰۴ در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه کربلا، به‌عنوان استاد مشغول به کار شد و در سال ۲۰۱۲ کتاب *الطفیات المقولة والإجراء النقدي* را در آستان مقدس امام حسین (ع) به چاپ رساند. دکتر مصلاوی پژوهش‌های فراوانی انجام داده است، از جمله مقاله‌های منتشرشده ایشان عبارت‌اند از:

- ملامح من الشعر السیاسة فی دیوان أبی المحاسن الكربلائی<sup>۳</sup>
- طفیات الشریف الرضی دراسة فی اللغة الشعریة<sup>۴</sup>
- دیوان ابن کمونة دراسة فی أغراضه الشعریة والظواهر والخصائص الفنیة<sup>۵</sup>
- طفیات الشریف الرضی دراسة فی البناء الهیکلی والموضوعی<sup>۶</sup>
- طفیات شیخ صالح الکواز الحلی دراسة موضوعیة تحلیلیة<sup>۷</sup>
- القرآنیة فی علویات الشیخ صالح الکواز الحلی<sup>۸</sup>
- دیوان الشیخ محسن أبو الحب الکبیر دراسة فی الموضوع الشعری<sup>۹</sup>
- دیوان الشیخ هادی الخفاجی الكربلائی دراسة فنیة<sup>۱۰</sup>

---

۱. زبان شعر دیوان الهذلیین

۲. بررسی تحلیلی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری ابو العلاء المعری و شعر عربی در اندلس

۳. چشم انداز هایی از شعر سیاسی در دیوان ابي المحاسن کربلائی

۴. بررسی زبان شعری اشعار عاشورایی شریف رضی

۵. بررسی اغراض شعری، پدیده‌ها و ویژگی های فنی دیوان ابن کمونة

۶. ساختار هیكلی و موضوعی اشعار عاشورایی شریف رضی

۷. بررسی موضوعی تحلیلی اشعار عاشورایی شیخ صالح الکواز الحلی

۸. تکنیک قرآنی در علویات صالح الکواز الحلی

۹. بررسی موضوع شعری دیوان شیخ محسن ابو الحب الکبیر

۱۰. بررسی فنی دیوان شیخ هادی خفاجی کربلائی



مختصری درباره مؤلف کتاب □ ذ

گفتنی است دکتر مصلووی در سال ۲۰۰۴ به عنوان عضو هیأت علمی وارد دانشگاه کربلا شد و با نوشتن مقالات و فعالیت‌های پژوهشی در سال ۲۰۰۷ به درجه دانشیاری ارتقا یافت و در سال ۲۰۱۳ به درجه استادی رسید. وی همچنان در دانشگاه کربلا مشغول به تدریس است.



## مقدمه

شعر عاشورایی هرساله با تکرار این واقعه مصیبت‌بار، حرارت دل‌های شنوندگان را برمی‌انگیزد، و بدین جهت است که این نوع قالب شعری سرشار از عواطف و احساسات است و شنونده را به افکار و اهدافی بلند فرامی‌خواند و بر آن است که این افکار بلند را در دل‌ها و اندیشه‌های شنوندگان تثبیت کند.

آنچه از شعر انتظار می‌رود این است که شاعر در سرودن و به نظم درآوردن آن دارای اخلاص و هدفی والا بوده است، از این‌رو شاعر تمام توانایی خود را برای ارائه بهترین شکل و حالت به کار می‌گیرد تا از این طریق شفاعت سرای آخرت را به دست آورد، چراکه پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان و امام حسین (ع) یاریگر و تکیه‌گاه او در زندگی و الهام‌بخش قصیده و اشعارشان بوده‌اند.

این شعر، از ورطه مادیات و سودگرایی‌ها فراتر رفته و به مرتبه اخلاص و صداقت رسیده است، بنابراین مطالعه و بررسی دقیق آن در پی فهم ویژگی‌های اسلوبی و زیبایی‌شناسی آن امری شایسته است، زیرا شاعر می‌کوشد از یک شاعر پیرو و مقلد به شاعری نوآور، حرفه‌ای و یگانه بدل شود و او به آن اندازه که در برابر تعامل با این مسئله و فهم و بیان آن است، در برابر قدرت و سلطه‌ای نیست.

این مسئله‌ای است که دشمنان آن را احساس کرده و بر آن آگاهی یافته‌اند، از این‌رو در طول سال‌های متمادی سعی کردند حق این شعر تابان و پرفروغ را کوچک بشمارند و آن را با الفاظی تحقیرکننده و توهین‌آمیز توصیف کنند، تناقض تأسف‌بار این‌که، آن‌ها به خود اجازه می‌دهند یکجانبه به مطالعه و صدور حکم‌های ناعادلانه و افتراهای بسیار در حق این شعر بپردازند، در حال حاضر کسی نتوانسته این شعر را یاری کرده یا حق آن را ادا کند، یا استدلال‌هایی بیاورد که باورهای آنان به این شعر را تکذیب کند.

اینجاست که مسئله بازنگری در این شعر و تعامل با آن براساس روشی به‌دوراز طرح‌هایی که به آنها لطمه زده است، برای من اهمیت یافت و روش جدیدی اتخاذ کردم که شعر را از منبع اصلی، یعنی واقعه کربلا بررسی کنم. این شیوه را تحت عنوان (اشعار عاشورایی) نام‌گذاری کردم تا شعری را که در رابطه با این واقعه و ابعاد آن و وصف تصویر جوانمردی و فداکاری و قربانی شدن است، تبیین کند.

طرح اشعار عاشورایی در آغاز به این گستردگی نبود، لیکن هر چه در این راستا گام برداشتم درهای دیگری به رویم باز شد...، لذا این کتاب نتیجه تلاش‌ها و اولین ثمره این طرح بزرگ است و از تمام پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌خواهم تا این طرح را با گرایش‌ها و دیدگاه‌های مختلف مطرح کنند. همواره دیوان‌های بسیاری از شاعران وجود دارد که تأثیر بسزایی در روند این شعر داشته است، ولی

مورد تحقیق قرار نگرفته‌اند. آنچه در مورد آن تحقیق صورت گرفته و جمع‌آوری شده است مورد مطالعه قرار نگرفته یا جنبه‌های مطالعه در زمینه‌های بررسی‌شده، تکمیل نشده است. علاوه بر این، برخی موارد پیرامون اشعار عاشورایی وجود دارد که شایسته بحث و بررسی است، اما تاکنون بدان پرداخته نشده است. و در این اندیشه‌ام که به مطالعه آن‌ها بپردازم یا در قالب پایان‌نامه به دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری داده شود.

شایان ذکر است که در سایه طرح نظریه اشعار عاشورایی، به چند مورد توجه داشتم که عبارت‌اند از:

۱- قصیده امام حسین (ع) که از آن تحت عنوان شعر عاشورایی یاد می‌کنند، قصیده‌ای با ساختار فنی ویژه است که به خاطر ارتباط موضوعی با واقعه کربلا، با این عنوان نام‌گذاری شده است. شعر عاشورایی تراوشی از یک نوع قصیده است که در رابطه با اهل بیت علیهم السلام است، در خصوص پیشرفت این نوع شعر باید گفت که ابتدا به صورت قطعات شعری بود و سپس ضمیمه قصاید اهل بیت علیهم السلام شد و در نهایت قصاید مستقلی شد که آن را در شعر شریف رضی شاهدیم که فصل اول بدان می‌پردازد.

۲- پیرامون نظریه پردازی و تحلیل این اشعار، تلاش کردم تا اثبات کنم مکتب شاعران شیعه دارای اصول و قواعدی است که برآمده از آن است. مسئله کربلا از قوی‌ترین اصول این مکتب و محور مشترک شاعران شیعی است که با هم رقابت می‌کنند و در سرودن بهترین شعر از هم سبقت می‌گیرند، هرچند بین آنها فاصله زمانی زیادی است، هنرنمایی آنان در سرودن شعر عاشورایی باعث شده به نوعی از هنر دست یابند که در بین دیگر شاعران وجود ندارد.

۳- هدف من از انتخاب دو شاعر از قرن نوزدهم این بود تا اثبات کنم ادبیات این دوره نزد شعرای شیعه - آن‌گونه که ادیبان و روشنفکران توصیف کرده‌اند- هرگز دوره تاریکی نبوده، بلکه دوره درخشانی است که می‌توان به آن افتخار کرد، و نباید بدون آگاهی از نکات غیرواقعی بینانه، سلیقه‌ای، ظریف و زیباشناسی متن، به آن بی‌اعتنایی شود. اصطلاح (دوره تاریک) اصطلاحی غیرمنصفانه و نابجا برای متن‌های ادبی شیعی است.

۴- نمونه‌های قرآنی در اشعار عاشورایی، یکی از پدیده‌های بارز نزد شیخ صالح الکواز الحللی است که از لابه‌لای آن، چگونگی تعامل شاعر با قرآن و بهره‌گیری او از آیات قرآن در ساختار اشعار عاشورایی را دریافتیم. این ساختار علاوه بر خیرگی از این اجرای غریب بر شعر عربی، ویژگی شگفت‌آور و حیرت‌انگیزی دارد که به‌طور کلی بر ساختار قصیده سایه می‌افکند.

۵- بخش پایانی، در خصوص دیوان شیخ محسن (ابو الحب) الکبیر دریچه‌ای برای توسعه نظریه (اشعار عاشورایی) می‌گشاید که نتیجه بررسی دقیق شاعر از مسئله کربلا و رادمردان آن و جزئیات حوادثی است که در آن اتفاق افتاده، لذا شاعر از مرحله عمومی سرودن اشعار عاشورایی که ویژه

## مقدمه □ ش

شهادت امام حسین (ع) و همراهان ایشان در واقعه کربلا و جریانات پس از آن است، وارد اشعار عاشورایی ویژه مردان کربلا چون عباس (ع)، علی اکبر (ع)، حر بن ریاحی (ع) و همه شهدا علیهم السلام می‌شود. وی آن‌ها را تحت عنوان «قصاید همراه با اشعار عاشورایی» نام‌گذاری کرده است، ویژگی این اشعار عاشورایی ناشی از اعطای ابعاد و رنگ‌های جدید در بیان واقعه کربلاست که نشانه‌ها و ویژگی‌های آن حوادث را روشن‌تر می‌کند.

۶- در بخش پایانی پژوهش، از پیشرفت جدیدی که شاعر آن را با عنوان «قصاید دعوت به قیام» نام‌گذاری کرده است سخن می‌رود، که از درون اشعار عاشورایی نشأت گرفته است. شعر «دعوت به قیام» در یادکرد امام عصر (عج) از امور واقعی است که در شعر عاشورایی ذکر شد، سپس این موضوع به دست گروهی از شعرای قرن نوزدهم و پس از آن به رشد و استقلال رسید، به گونه‌ای که در دیوان‌های آنان به پدیده‌ای مورد توجه تبدیل شد.

شایان ذکر است که کتاب با پیشگفتار آغاز می‌شود که در آن ریشه‌های زبانی اصطلاح «اشعار عاشورایی» و دلیل بکار گرفتن این اصطلاح، اندیشه و رابطه آن با برخی از اصطلاحات هم‌خانواده آن را توضیح می‌دهد. بعد از پیشگفتار چهار فصل می‌آید؛ اولین فصل، به اشعار عاشورایی شریف رضی و بررسی ساختار فنی آن می‌پردازد. فصل دوم را با اشعار عاشورایی شیخ صالح الکواز الحلی و بررسی تحلیلی مضامین آن پی می‌گیرد. در فصل سوم به تکنیک قرآنی در اشعار عاشورایی شیخ صالح الکواز الحلی اشاره می‌کند و در فصل چهارم به بررسی مضمون شعری دیوان شیخ محسن ابو الحب الکبیر می‌پردازد.

این فصل‌ها دربرگیرنده مقالات منتشرشده در مجلات معتبر علمی-پژوهشی است که در آن‌ها تغییرات زیادی اعمال نشده است، جز آنچه در تدوین کتاب به آن نیاز بود. بنابراین خواننده محترم تعریف مجدد اصطلاح «اشعار عاشورایی» را در فصول چهارگانه و معرفی شاعر صالح الکواز را در دو فصل ملاحظه خواهد کرد. علاوه بر این، بنده برای کتاب، پایانی ننوشتیم و به موارد مطرح‌شده در مقدمه کتاب و آنچه در خاتمه فصل‌ها آمده است، بسنده کرده‌ام.

گفتنی است که خانم نوماس المدنی، استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه کربلا، در تدوین نتایج فصل سوم و چهارم مشارکت داشتند و بنده را برای تکمیل این دو بخش یاری کردند. لذا از تلاش‌های بی‌شائبه ایشان در این زمینه سپاسگزارم و از خداوند منان برایشان طلب خیر می‌نمایم.

بدیهی است که اصطلاح «اشعار عاشورایی» پروژه بزرگی است که بیانگر بازنگری در ادبیات شیعه و نگاه به آن از زاویه جدیدی است که شایسته آن است و از موارد پنهان پرده برمی‌دارد. بنابراین، پایه این پژوهش برخورد با متن‌ها به صورت تحلیلی جهت کشف ابعاد اسلوبی و زیبایی‌شناسی است که به اطلاعات برون‌متنی اعم از مذهبی، اعتقادی و سیاسی توجه ندارد، مگر به مقداری که متن بدان نیاز

ص □ شعر عاشورایی

داشته باشد، زیرا این امور ما را از کشف روش شاعر در پرداختن به موضوع با استفاده از عامل زبان و چگونگی برانگیختن خواننده و جلب توجه او با استفاده از روش‌های مختلف باز می‌دارد.

## پیشگفتار

### ریشه‌ها و معادل‌های معنایی اصطلاح «الطفیات»<sup>۱</sup>

«الطفیات» از کلمه «طف» به فتح «طا» و «فا» مشدد گرفته شده است و معنای لغوی آن سرزمین مشرف بر حومه عراق است.<sup>۲</sup> از معانی دیگر طف می‌توان به ساحل دریا و حیاط خانه اشاره کرد،<sup>۳</sup> طف‌الفرات: به معنای ساحل فرات است و الطوفوف: جمع طف که به ساحل دریا و کنار خشکی گفته می‌شود.<sup>۴</sup> علاوه بر این طف: سرزمینی بیابانی است در (مسیر) اطراف شهر کوفه که محل شهادت حسین بن علی علیه‌السلام است که سرزمینی با چشمه‌های آب روان در نزدیکی روستاهای اطراف کوفه است.<sup>۵</sup>

«طفیات» اصطلاحی است که پژوهشگر برای قصایدی برگزیده است که به توصیف واقعه کربلا و جریانات آن، از جمله مصیبت وارد بر امام حسین (ع) و اهل بیت و اصحاب ایشان می‌پردازد. البته باید گفت که اصطلاح طفیات در بردارنده تمام قصاید و اشعاری است که از سال ۶۱ ه.ق. تاکنون در رثای حسین بن علی (ع) و در سوگ این واقعه در دناک سروده شده‌اند.

اما دلایلی که باعث شد پژوهشگر این اصطلاح را برگزیند: نخست اینکه، واقعه کربلا به‌عنوان یک نقطه عطف تاریخی مهم در زندگی مسلمانان به‌ویژه، شیعیان مطرح است و دلیل روشنی است بر ظلم و ستمی که بنی‌امیه بر اهل بیت پیامبر روا داشتند که در این واقعه عظیم، با به شهادت رساندن امام حسین (ع) و یارانش، ستمگری حقیقی خویش را به‌معنای واقعی کلمه به منصفه ظهور گذاشتند. روز عاشورا نمایانگر مظلومیت شیعیان است و شیعیان از این روز درس استقامت، صبر و ایستادگی در برابر دشمنان را می‌آموزند و قدرت، شکیبایی و مقاومت امام حسین را در برابر دشمنان، الهام‌بخش خویش می‌دانند.

دلیل دیگری که می‌توان برای آن برشمرد این است که با آوردن نام امام حسین (ع)، واقعه کربلا در ذهن ما تداعی می‌شود و با یادآوری سرزمین کربلا یاد امام حسین (ع) در اذهان ما زنده می‌شود، امامی

۱. اشعار عاشورایی

۲. مراجعه شود به: معجم البلدان: ۳۵/۴-۳۶ و لسان العرب: ۲۲۱/۹، و تاج العروس: ۱۸۲/۶، و مجمع البحرین: ۵۲/۳.

۳. لسان العرب: ۲۲۱/۹.

۴. ه.م. و مجمع البحرین: ۵۲/۳.

۵. معجم البلدان: ۳۵/۴-۳۶، همچنین مراجعه شود به /لسان العرب و تاج العروس و مجمع البحرین فی مواطن المتقدمه تمام تمام اینها به شهادت یا محل شهادت امام حسین علیه‌السلام در سرزمین اشاره دارند.

که بسان یک شهید قهرمان و سرافراز، بر خاک کربلا فرو افتد از این رو، می‌توان گفت ارتباطی دیالکتیک میان این شخصیت و این مکان وجود دارد که یادآور این دو عنصر در ملازمت با یکدیگر است. پژوهشگر با بررسی دیوان شاعرانی همچون: حیدر الحلی، جعفر الحلی، ابن کمونه، جواد بدقت الأسدی، شیخ محسن أبوالحب الکبیر و غیره<sup>۱</sup>، سه نکته را در این خصوص متذکر می‌شود. شایان ذکر است که همگی این شاعران به واقعه کربلا پرداخته و بخش عمده‌ای از اشعار و قصائد خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

**نخست** اینکه، پژوهشگران این حوزه در برخی از دیوان‌ها، چیدمان قصائد را براساس حرف قافیه تنظیم کرده‌اند.

**دوم**، این قصاید در بخش مرثیه آورده شده است و از آن جهت که این اشعار، جزو مرثیه‌هایی به شمار می‌آید که در رثای شهادت امام حسین و تعدادی از اهل بیت و صحابه آن حضرت در واقعه طف سروده شده است، هیچ مغایرتی با ماهیت اشعار عاشورایی ندارند، اما قرار دادن آنها در کنار دیگر قصاید رثا از ارزش و اهمیت این قصاید می‌کاهد، زیرا بیشتر قصاید سروده شده در رثای امام حسین (ع) دارای خصیصه‌های فنی و موضوعی مشخصی هستند، ولی بیشتر مرثیه‌هایی که برای دیگر اشخاص سروده شده‌اند، با وجود داشتن حزن و سوگواری، این امتیازات را ندارند، اگرچه وجه اشتراک میان سایر مرثیه‌ها با اشعاری که در رثای امام حسین سروده شده، همان ذکر مصیبت و مرثیه است، اما مرثیه سروده شده برای امام حسین (ع) دارای خصیصه‌هایی است که آن را از دیگر مرثیه‌ها، متمایز می‌سازد. این امر در مورد اول نیز صدق می‌کند، یعنی چیدمان و تنظیم این قصاید براساس حرف قافیه، اهمیت و اعتبار و امتیاز خاصی به آنها نمی‌بخشد، هرچند که این طبقه‌بندی یک شیوه رایج علمی و دانشگاهی است.

**سوم**، نام‌گذاری این قصاید به «علویات»؛ بدیهی است که این عنوان با محتوای قصاید، همخوانی ندارد؛ زیرا با شنیدن این عنوان ذهن شنونده به سرعت متوجه قصایدی می‌شود که پیرامون عشق به امام علی (ع) سروده شده و بخش‌هایی از افتخارات و قهرمانی‌های آن حضرت را به تصویر کشیده است. همان‌طور که ابن ابی الحدید معتزلی نیز، قصائد مربوط به اهل بیت را تحت عنوان علویات گردآوری کرده است.<sup>۲</sup>

اما گردآورنده دیوان شیخ صالح الکواز الحلی، عنوان فوق را همراه تعریفی می‌آورد: «قصایدی در رثای حسین بن علی علیهم السلام و یاران شهید ایشان»<sup>۳</sup>...

۱. به لیست مصادر و منابع شناخت دیوان‌های شعرا و پژوهشگران آن مراجعه شود.

۲. الروضة المختارة المتضمن شرحی: الهاشمیات للکمیت و العلویات السبع لابن أبی الحدید المعتزلی.

۳. دیوان الشیخ صالح الکواز الحلی: ۱۵.



پیشگفتار ، □ ظ

سؤال اصلی که در اینجا مطرح است، این است که علت این نام‌گذاری چیست؟ آیا گردآورنده این دیوان، فرق میان عنوان این قصاید و محتوای آن را احساس نکرده است؟ اگر این شعرها را به نام امام حسین (ع) «حسینیات» می‌نامیدند مناسب‌تر نبود تا دلالت روشنی بر محتوایش داشته باشد؟

ابتدا باید متذکر شویم که گردآورنده دیوان، شیخ ادیب محمدعلی یعقوبی است که بسیاری از دیوان‌های قرن هجدهم و نوزدهم را گردآوری و ثبت کرده است. شیخ مرثیه‌های امام حسین (ع) را به خاطر ارج نهادن به این قصائد و به پاس سبک فنی آنها از مرثیه‌های مربوط به شاعران دیگر جدا کرده است، از این رو انتخاب این عنوان دلیل به‌خصوصی نداشته است و نیز در نام‌گذاری این دیوان تحت عنوان «علویات»، هیچ تمایزی نسبت به امام حسین (ع) و پدرش امام علی (ع) قائل نشده است.

اصطلاح «علویات» از واژه «علوی» گرفته شده است و به شخصی اطلاق می‌شود که محبت و علاقه او به امام علی، حضرت زهرا (س) و فرزندان این دو بزرگوار، از روی خلوص باشد. و از آن جهت که امام حسین (ع) تنها نمایانگر آن دو معصوم و امتداد حقیقی راه آن دو بزرگوار است، یعقوبی، نام علویات را برای این قصائد برگزید، ولی برای آنکه خواننده دچار سردرگمی نشود توضیحی به آن اضافه کرده است. این فرضیه، در صورتی قابل قبول خواهد بود که شاعر یا همراهان او اعم از شاعران و ادیبان آن دوره تا دوره گردآورنده این دیوان، این قصاید را با این عنوان نام‌گذاری نکرده بودند. با این حال، این دو فرضیه طبق توضیحات قبلی یک خاستگاه دارد.

اصطلاح «حسینیات» در حوزه شعر و شاعری، اصطلاحی متداول نبود، بلکه این اصطلاح علاوه بر مکان‌های برگزاری نماز، به جاهایی اطلاق می‌شود که مراسم عزاداری امام حسین (ع) در آنجا برگزار می‌شود و از عزاداران آن حضرت پذیرایی می‌شود. از آنجا که این اصطلاح با این امور هماهنگی دارد دلالتش در حوزه شعر و شاعری مشکل به نظر می‌رسد، اگرچه برخی از اصطلاح «حسینیات» برای مکان‌های برگزاری محافل ادبی در مناسبت‌های مختلف دینی مثل عاشورا و دیگر مناسبت‌ها استفاده می‌کنند.

شایان ذکر است که شیخ محسن (ابوالحب) الکبیر (ت ۱۳۰۵ هـ) از بزرگ‌ترین شاعران کربلا و از سخنوران برجسته زمان خود، دیوان شعرش را «حائریات» نامیده است (تقریباً مضمون تمام حائریات در رثای امام حسین (ع) و خاندان آن حضرت است).

«حائری» به جایی گفته می‌شود که آب در آنجا متوقف می‌شود؛ بدین معنا که وقتی در زمان متوکل عباسی، برای تخریب قبر امام حسین (ع) شهر کربلا را به آب بستند، آب در اطراف مرقد امام حسین (ع) از حرکت ایستاد، به همین جهت هر کس در نزدیکی مرقد امام حسین (ع) منزل می‌گزید به «حائری» معروف می‌شد، این چنین است که خانواده ابوالحب به «حائری» معروف شدند.

به‌هرحال، واقعه کربلا تاکنون عامل اساسی و هدف اصلی پرداختن شاعران به این درون‌مایه‌ها بوده است و اگر ما اشعار و ابیاتی را که در خصوص این حادثه به نظم در آمده اشعار «عاشورایی» بنامیم، این نام‌گذاری به دلیل وابستگی و ارتباط بیشتر با موضوع، در مقایسه با اصطلاحات و عناوین دیگر مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد.

بی‌شک اصطلاح «شعرای عاشورا» یا «ادبیات عاشورا» و تمام چیزهایی که بر این سبک آمده در نهایت به یک هدف اشاره دارد، ولی اصطلاح «طفیات» که با این وزن برای ادبیات عاشورایی انتخاب کردیم، ریشه‌ها و معانی نزدیکی دارد. از جمله این موارد می‌توان به «هاشمیات» کمیت، «خمریات» ابی نواس، «زهديات» ابی‌العتاهیه، «سیفیات» و همچنین «کافوریات» متنبی، «رومیات» ابی‌فراس، «حجازیات» شریف رضی، «لزومیات» ابی‌العلاء معری و دیگر مواردی که در تاریخ ادبیات عربی وجود دارد، اشاره کرد.

در ادامه به دو مسئله مهم می‌پردازیم. نخست اینکه، برخی معتقدند این قصاید یا اشعار به امام حسین (ع) نسبت داده و نام‌گذاری شدند، اما برای نسبت دادن، ناچار به استفاده از «تاء» تأنیث برای واژه «حسین» شده‌اند، از جمله آن‌ها «عقائد حسینیة» یا «قصیده حسینیة» یا «مراثی حسینیة» است. برخی دیگر اشعار شاعر حسینی، کاظم منظور کربلایی، را تحت عنوان «منظورات حسینیة» نامیده‌اند. این عناوین مثل نام‌گذاری‌های قبلی معانی کاملی دارند، ولی اشکالات قبلی همان‌طور که گفته شد، همچنان وجود دارد.

**مسئله دوم** این‌که، کسی مثل دکتر زکی مبارک که این قصاید را زیر مجموعه «مدایح نبوی» قرار داده است، به اصل اصطلاح و رابطه «مدایح نبوی» که مختص حضرت رسول (ص) است با قصاید شریف رضی در مورد شهید کربلا اشاره نکرده است. همچنین از اصل رابطه میان «مدایح نبوی» و قصایدی که در خصوص اهل‌بیت علیهم‌السلام سروده شده است مانند «هاشمیات» کمیت، «تائیة» دعبل خزاعی و قصیده معروف فرزددق در مدح امام زین‌العابدین (ع)، سخنی به میان نیاورده است. اصطلاح «مدایح نبوی» اصطلاحی عام بود که اشعار مربوط به حضرت رسول (ص) و اهل‌بیت ایشان را نیز در بر می‌گرفت و شاید از این نگاه نشأت گرفته است که هر ادبیاتی که در ارتباط با اهل‌بیت باشد، در نهایت به حضرت رسول (ص) برمی‌گردد.

اما اختلاف میان گفته‌های دکتر زکی مبارک و این قصاید در این است که وی، ویژگی قصیده «مدح نبوی» را مشخص و آن را از «رثا» جدا کرده است، استدلال سخن وی در این زمینه چنین بوده است که «رثا» بیانگر غم و اندوه است، حال آنکه منظور از مدیحه‌های نبوی همراه با نشر ویژگی‌های دین و ستایش خصوصیات حضرت رسول (ص)، نزدیکی به خدا است.<sup>۱</sup>

باید گفت این مسئله با قصایدی که وی انتخاب کرده، مثل قصیده «تائیه» دعبل خزاعی در مرثیه اهل بیت، در تضاد است. دکتر زکی مبارک بر این باور است که: «اعتبار این قصیده به غم و اندوه موجود در آن است و به خاطر همین این اشعار، بهترین شعرهایی هستند که در یاری رساندن به اهل بیت سروده شده است...» وی در مورد شریف رضی بیان کرده است: «شریف رضی تنها در اشعاری که در مرثیه امام حسین (ع) سروده شد، غم و اندوه خود را به صورت قوی نشان داده است.<sup>۱</sup>» وی در جای دیگر به این نکته اشاره می‌کند که: «شریف با سرودن قصیده‌ای در رثای امام حسین (ع)، می‌خواهد هر سال عاشورا را زنده نگه دارد.<sup>۲</sup>»

اگر قصاید «رثا» در شهادت امام حسین (ع) در بردارنده غم و غصه، درد و اندوه و اشک و زاری باشد، پس چگونه در گروه «مدایح نبوی» قرار گیرد؟

خواننده با خواندن این اصطلاح (مدایح نبوی)، هرگز به ذهنش متبادر نمی‌شود که قصایدی در حوزه رثای اهل بیت پیش رو خواهد داشت، بلکه منتظر قصایدی در عشق حضرت رسول (ص) و امید به شفاعت ایشان و محاسن اخلاق و مکارم اعمال و رفتار نیک و شکوه شکل ظاهری آن حضرت و شخصیت و راه و رسم زندگی پاک ایشان خواهد بود که پژوهشگران آن را با این عنوان نام‌گذاری کردند.<sup>۳</sup>

اگر خواننده، کتاب «مدایح نبوی» دکتر زکی مبارک را با دقت مطالعه کند، درخواهد یافت که قصاید مربوط به اهل بیت را ذیل این اصطلاح چپانده و وارد کرده‌اند و مشخص است که از نظر موضوع با مدایح مشهور نبوی موجود در ادبیات عرب ارتباطی ندارند. هرچند دکتر زکی مبارک این رابطه را به درستی درک کرده و آن را راست‌گویی، وفاداری و صوفی‌گری قلمداد کرده است.<sup>۴</sup>

استدلال دکتر زکی مبارک را می‌توان در دو نکته خلاصه کرد: نخست، دکتر مبارک از خواننده می‌خواهد از سبک قصایدی که تاکنون فرصت آگاهی از آن‌ها برایش فراهم نشده است اطلاع یابد و نیز می‌خواهد با شرح و توضیح آن قصاید نظر خواننده را جلب کند. باین حال وی عنوانی بهتر از «مدایح نبوی» برای نام‌گذاری آن قصاید پیدا نکرده است. زکی مبارک این اصطلاح را با عنوان «مدایح نبوی» برای خواننده عادی ارائه می‌دهد، حال آنکه این شعر نزد منتقد متخصص، قصاید رثائی نامیده می‌شود و شعرای این گونه ادبی به دلیل سبک و گرایش خاصشان به این‌گونه ادبی معروف‌اند.

۱. ه. م. ۱۰۳.

۲. ه. م. ۱۰۹.

۳. ه. م. ۴۹.

۴. برای نمونه مراجعه شود به: المدائح النبویة فی أدب القرنین السادس و السابع للهجرة للدكتور ناظم رشید.

۵. مراجعه شود به: المدائح النبویة فی الأدب العربی: ۴۱، ۵۹، ۱۰۹.

**نکته دوم** این‌که، مصریان هر سال روز عاشورا را جشن می‌گرفتند.<sup>۱</sup> لذا برای دکتر مبارک نام‌گذاری این قصاید به شیوه مردم مصر، به مدایح، عجیب و غیرعادی به نظر نمی‌رسید؛ زیرا او بی‌شک می‌دانست که اشعار عاشورایی بخشی از مراسم سوگواری هستند. مسئله نام‌گذاری اصطلاح و مرزبندی آن موضوع مهمی است، اما مهم‌تر از همه این است که، اصطلاح اشعار عاشورایی باید در حوزه خود جریان داشته باشد تا به‌عنوان یک پدیده مطرح شود که نتوان از آن چارچوب خارج شد؛ این کار با به‌کارگیری برخی پژوهشگران و ادبا در حافظه ادبی تشبیه می‌شود تا به فراموشی سپرده نشده و مورد غفلت قرار نگیرد، این امر زمانی محقق می‌شود که به‌خوبی موردپذیرش قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت باب مترادفات بسته نمی‌شود.

---

۱ . مراجعه شود به: ه. م. دکتر ذکی مبارک در کتاب «المدائح النبویة فی الأدب العربی» اشاره کرده است که مردم روستایی در مصر روز عاشورا را جشن می‌گرفتند و جشن آن‌ها در روز عید قربان به خاطر افزایش روزیشان بود؛ همچنین در مصر نوعی شیرینی موسوم به نان عاشورا وجود دارد که مردم در این روز در صبحانه می‌خورند ... در صفحه قبل دکتر به دسته عزاداری برای امام حسین(ع) در قاهره اشاره کرد که شیعیان پیرامون مسجد امام حسن(ع) می‌چرخند و بدنشان آغشته به خون می‌شود. مردم را می‌بیند که در شب عاشورا سیره امام حسین(ع) را می‌شنوند و گریه و شیون و زاری می‌کنند.